

## بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و عرض ادب خدمت تمام قلم بدستان، فرهنگیان، شاعران و نویسندگان عزیز!  
امیدوارم همه شما عزیزان از گزند روزگار در امان باشید، و بعدش سروده زیر را که به اقتضای  
غزل مرحومه زنده یاد سیده مخفی بدخشی سروده ام، از همه شما قلم بدستان و فرهنگیان عزیز  
و مهربان صمیمانه رجا نمودم تا در کمی و کاستی آن مرا معذور داشته و در تصحیح آن مرا یاری  
نموده ممنون احسان خود سازید.

با عرض حرمت محمدالله نصرت

عمری است که بودم بدل ارمان بدخشان  
صد شکر رسیدم به گلستان بدخشان

### بدخشان

دارم هوسی وحدت و پیمان بدخشان  
مخدوم ره ی عارف و عرفان بدخشان  
فرش است همه دشت و دمن مخمل خضرا  
از جرم گلان شهر وبه واخان بدخشان  
در آب و هوا نیست به مثلت شهر پاریس  
یک بار نگر شهرک تشکان بدخشان  
من زاده اشکاشم و "گلزار" ز زیباک  
ما حقه مرواری به دکان بدخشان  
ای وای چه شد ناصر و مخفی و ضیائی

خواب اند، به لعل پاره دامن بدخشان  
ای دخت بدخشانی توئی وارث این خاک  
از کوف به شغان و به خواهان بدخشان  
هرجانگری لعل و زمرد شده مدفون  
در دامن کھسار و بیابان بدخشان  
از کشم به ارگو و الی دره یمگان  
خوش آب و هواست جلغر و غاران بدخشان  
حب الوطن است، جزوه ایمان مسلمان  
واجب شده بر طفل و جوانان بدخشان  
خونابه چکد از دل صد پاره "نصرت"  
خواهم ز خدا عزت پریشان بدخشان

اشکاشم - بدخشان

۲۲ - حمل - ۱۳۹۰

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)